

بنیادشناسی اقتصاد مقاومتی

با تأکید بر سخنان امام خامنه‌ای دامت برکاته

اسحاق طاهری سرشنیزی*

چکیده

واژه اقتصاد و مرادف‌های آن در زبان‌های یونانی و لاتین متضمن معنای تدبیر امور معیشتی و اصل واژه، رفع عادلانه حوائج معیشتی انسان می‌باشد. رخداد صنعت و فناوری و فرصت یافتن حس زیاده‌طلب و فزون‌خواه انسان در پرتو تحولات صنعتی و در نتیجه، نمایان شدن فرآیند تمرکز ثروت موجب تحریف معنوی در واژه اقتصاد و پیدایش علم اقتصاد گردید. اولویت نخست در این علم، تأمین نیازهای معیشتی انسان نیست؛ حفظ و تقویت ثروت و سودآوری مضاعف جای نیازهای معیشتی و عدالت را گرفت. رهبر فرزانه انقلاب که از بیماری اقتصاد کشور نیک آگاه است، ملت و دولت را به بازگشت به آموزه‌های حیات‌بخش اسلام در حوزه اقتصاد فراخواند و همگان را در تحقق اقتصاد مقاومتی بسیج فرمودند. اقتصاد منظور معظم‌له، اقتصادی درون‌زا و برون‌گراست که قوام خود را مرهون توانمندی‌ها و موقعیت‌های کم‌نظیر یا بی‌نظیر درون کشور است. منحنی نمودار این اقتصاد، تابع نوسانات و تصمیمات خصمانه دشمنان نیست و به تبع بنیاد استوار و پایدار آموزه‌های اصیل دینی و متناسب با ایمان و اراده راسخ مدیران، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، مقاوم و استوار بوده و در نتیجه، سرشت دفاعی دارد.

کلیدواژه‌گان: امام خامنه‌ای، اقتصاد مقاومتی، علم اقتصاد، اقتصاد مقاوم، نظام اقتصادی.

مقدمه

در سنوات اخیر مفهوم و ترکیب «اقتصاد مقاومتی» مطرح شده و کانون توجه قرار گرفته است. ویژگی خاص این موضوع آن است که توسط رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (زید عزه) ابداع و ارائه گردیده است. تأکیدات فراوان معظم‌له بر موضوع و جدیت و اهتمام فراوان در پیگیری و تحقق آن، حاکی از اهمیت مضاعف موضوع است. آنچه قبل از هرچیز بسترساز تولید دانش در این زمینه است، ارائه مفهوم‌شناسی و تبیین اصول و مبانی نظری است. مسلم است که ترکیب «اقتصاد مقاومتی» بنابر ملاحظات حکمی و حکومتی منظور گردیده و نیازمند توضیح و تفسیر است. معنای منظور در واژه «مقاومت» چیست و عامل یا عواملی که این مقاومت در برابر آن معنا پیدا می‌کند؛ کدام است؟ منشأ و خاستگاه این مقاومت چیست و فعلیت آن چگونه ممکن است؟ آیا منظور از این نوع اقتصاد، معنا و مفهومی است که از تعبیر قرآنی و روایی ناظر به مسائل اقتصادی قابل درک است؟ و پرسش‌های دیگر از این دست می‌تواند زیرساخت‌های معرفتی مرتبط با موضوع را تأمین کند.

این مقاله درصدد تبیین و توضیح مفهومی موضوع و مبانی هستی‌شناختی و دینی آن است؛ از این رو، نخست مفهوم‌شناسی موضوع، سپس نسبت دین با اقتصاد و در پی آن، مبانی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

معناشناسی اقتصاد مقاومتی

جهت طرح و توضیح معنای اقتصاد مقاومتی، نخست معنای مصطلح و برخی تعاریف اقتصاد، و به دنبال آن، معناشناسی «مقاومت» ذکر می‌شود. نظر به اینکه علم اقتصاد در مغرب زمین شکل گرفت و پیش رفت و با همان صورت غربی وارد دنیای اسلام و شرق شد؛ گفتار را به پیشینه و واژگان مرتبط آن دیار مستند می‌سازیم. در سیر تاریخی علم اقتصاد در غرب سه واژه و ترکیب جلب توجه می‌کند؛ این سه شامل *political economy*، *economy* و *economics* (علم اقتصاد) است. تبارشناسی واژه *economy* را به واژه یونانی *οικονομος* (کسی که امور خانواده را تدبیر می‌کند) برگرفته از دو واژه *οικος* (منزل، خانه) و *νεμειν* (اداره کردن) رسانده‌اند. (Liddell and Scott, ۱۹۶۶, p.۱۲۰۴; Donnegan, ۱۸۴۰, p.۸۹۱) سپس واژه *οικονομια* از این

واژه مرکب یونانی اشتقاق یافته که نه‌تنها به معنای تدبیر امور خانواده و منزل به کار می‌رود بلکه در معنای پرهیز از اتلاف پول و قدرت و هرچیز ارزشمند دیگر، صرفه‌جویی و عقل معاش، راهنمایی و جهت‌دهی، اداره کردن، ساماندهی و درآمد ملی دولت نیز استعمال شده است. آن گونه که منابع لغت گواهی می‌دهد نخستین معنای economy در اثری یافت شده است که می‌توان تألیف آن را در ۱۴۴۰ میلادی دانست. این واژه در این اثر به معنای «مدیریت امور اقتصادی»، و در مورد صومعه یا دیر استعمال شده است. همچنین این واژه به شیوه حاکمیت الهی بر عالم نیز اطلاق شده است. بعدها این واژه بر دیگر معنای واژه یونانی οἰκονομία شامل صرفه‌جویی و اداره کردن اطلاق گردید. این واژه در سده‌های نوزدهم و بیستم دیگر دستخوش تحول معناشناختی نشده و اغلب معادل «نظام اقتصادی یک کشور یا منطقه» انگاشته شده است (Soukhanov, p.۲۳۶۸-۶۹)؛ با توجه به تصریح منبع معتبر لغت درباره نخستین مورد استعمال economy، روشن می‌شود که نخستین فضای کاربرد این واژه یک نهاد دینی بوده است. بر این اساس، در معنای این واژه لاتین مفهوم «تدبیر» نهفته است (Doniach, ۱۹۸۱, p.۳۷۰-۳۷۱).

در دو زبان فارسی و عربی واژه «اقتصاد» معادل واژه economy برگزیده شده است؛ «اقتصاد» برگرفته از «قصد» به معنای «عدل»، «اعتدال»، «اعتماد»، «استقامت» و «ثبات» است (الجوهری، ۱۴۳۰، ص ۹۴۴؛ الفراهیدی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۹۳؛ الحسینی الزبیدی، ج ۹، ص ۳۶). در قرآن واژه «قصد» به معنای اعتدال و میانه‌روی آمده است، جایی که می‌فرماید: «و اقصد فی مشیک؛ در راه رفتن معتدل باش» (لقمان، ۱۹). بر این اساس، راغب اصفهانی «قصد» را به معنای راستی و استقامت طریق دانسته و به همین آیه استشهاد کرده است. دو آیه دیگر در این باره شامل «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ» (فاطر، ۳۲) و «وَسَفَرًا قَاصِدًا» (توبه، ۴۲) است که واژه مورد نظر مرادف عدل و اعتدال منظور شده است. بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که این واژه و معادل‌های آن در زبان‌های یونانی، انگلیسی و عربی مرادف «تدبیر عادلانه» و در حیطه امور مالی، مالکیت، ثروت و معیشت غلبه یافته است.

دیگر واژه مورد بحث، economics (علم اقتصاد) است. نخستین مرحله نشو و نمای این علم در قرن هیجدهم میلادی در مغرب زمین است. بدون آگاهی از زمینه‌های فکری و فرهنگی این سده نمی‌توان معنا و مفهوم علم اقتصاد و خطوط و اصول کلی و اهداف آن را شناخت. از

این رو، قلم ناگزیر از گزارش اجمالی فضای حاکم بر روزگار مغرب زمین است تا از این طریق مختصات علم اقتصاد نمایان گردد.

در سده هیجدهم شکاکیت فلسفی با تشکیکات دیوید هیوم، فیلسوف معروف انگلیسی بر جامعه غربی حاکم گردید که نتیجه آن باور فلسفی به گسست رابطه انسان با عالم واقع از طریق گشایش ایمانوئل کانت، فیلسوف پرآوازه آلمان بود. از نظر فیلسوف آلمانی، انسان جهان را آن گونه که نزد او آشکار می شود می شناسد ولی دست او یکسره از شناخت واقعیت جهان آن گونه که هست، کوتاه است. او رسماً درصدد انکار عالم واقع برنیامد اما موضع گیری فکری او پیامدی هم پایه پیامد اندیشه منکران عالم واقع داشته و دارد؛ زیرا واقعیتی که انسان هیچ پیوند معرفتی با آن نداشته باشد، بود و نبودش تفاوتی در احوال و روحيات انسان نخواهد داشت. از این رو، حاصل سخن وی آن است که انسان صرفاً بر پایه ذهنیات و خیالات خود زندگی می کند. به تعبیر دیگر، از این طریق به انسان القاء شد که نباید از سنن الهی حاکم بر هستی و فطرت الهی انسان آن گونه که پیش از آن پنداشته می شد، سخن گفت و اصولاً این گونه امور از قبیل موهومات شمرده شد.

خصوصیت دیگر این سده، مخدوش شدن اصالت و اعتبار کتاب مقدس بود. برخی اندیشمندان از اهل کتاب مانند واشنگتون گلادن و اسپینوزا در سده های منتهی به سده هیجدهم با نقادی کتاب مقدس نشان داده بودند که بخش های قابل توجهی از تعبیر کتاب مقدس ساخته و پرداخته بشر است. جالب توجه اینکه در این نقادی ها برخی کشیشان نیز شرکت داشتند. این گونه در ایمان اهل کتاب تردید و تشکیک ایجاد شد و آموزه های دینی از آن پس دیگر نتوانست نفوذ و اعتبار خود را در عرصه حاکمیت اعمال کند و زمینه پیدایش سکولاریسم فراهم گردید.

همچنین در این قرن، صنعت در زندگی انسان غربی وارد گردید و زمینه تمرکز قدرت و ثروت فراهم شد. برخی اندیشمندان از همان آغاز، ورود افسارگسیخته صنعت و فناوری در زندگی بشر را بسیار زیان بار انگاشتند و در این باره هشدار دادند. تناسبی بین قدرت تصرف ماشین در طبیعت و نیازهای معمول انسان نیست و این گونه تصرفات بسیار فراتر از حد نیاز

انسان است؛ امری که خطر آن امروزه طبیعت و جوامع بشری را به شدت تهدید می‌کند و فریاد فرهیختگان دلسوز در برابر این تهدیدات، راه به جایی نمی‌برد.

دیگر اینکه بهم‌ریختگی اوضاع و احوال انسان غربی و نابسامانی‌های ناشی از آن فرصتی برای ظهور و حاکمیت نظریه قدرت به‌دست داده بود و افکار ماکیاوول و هابز و پیروان آنان امکان بروز و نمود یافته بود. بدیهی است وقتی حقیقت و واقعیت، در قالب نمود، و نه بود، تفسیر و پذیرفته شود، به دنبال آن نسبیت در اخلاق و حقوق نیز پذیرفته می‌شود و این مجوزی می‌شود برای تحقق و حاکمیت نظریه قدرت. از این رو، کسانی چون منتسکیو و ژان ژاک روسو جهت مقابله با این وضع، بحث قرارداد اجتماعی را پیش کشیدند تا از این طریق، قوانینی معقول و مقبول حاکم شود.

این شرایط ظرف زمانی و مکانی پیدایش علم اقتصاد است. بر این اساس، علم اقتصاد فاقد هرگونه پشتوانه اصیل متکی به واقعیت‌های عالم وجود و آموزه‌های دینی است؛ سخن گفتن از سنن الهی و فطرت الهی انسان در چنین فضایی موهوم و بی‌معناست و اقتصاد در معنای خاص خود سیاسی انگاشته شده است. از این رو، نظریه پردازان کلاسیک در چنین شرایطی دست به تدوین نظام معرفتی درباب اقتصاد زدند و حاصل کار خود را *political economy* خواندند؛ یعنی همان حوزه مطالعاتی و دانشی که بعدها *economics* (علم اقتصاد) خوانده شد، منبع معتبر لغت در ذیل *political economy* این‌دو را مرادف انگاشته، (Ibid) و جان استوارت میل اثر معروف خود درباب اقتصاد را **اصول اقتصاد سیاسی**^۱ نام نهاده است؛ همچنین مارشال در اثر معروف خود بر همین باور است و این‌دو را در مقام تعریف علم اقتصاد، مرادف منظور نموده است:

اقتصاد سیاسی یا علم اقتصاد مطالعه اعمال انسان در مشغله معمول زندگی است؛ آن در این‌باره تحقیق می‌کند که انسان چگونه درآمد کسب می‌کند و چگونه آن را مصرف می‌کند. بنابراین، اقتصاد سیاسی یا علم اقتصاد از یک طرف مطالعه درباره ثروت، و از طرف دیگر که مهم‌تر است، بخشی از مطالعه انسان است (Marshall, ۱۸۹۰, p.۱).

در پیگیری مبحث، لازم است به برخی تعاریف علم اقتصاد نیز به تناسب بحث اشاره گردد. در تعبیری دیگر علم اقتصاد، مطالعه چگونگی مدیریت منابع کمیاب جامعه انگاشته شده است

۱. The Principles of Political Economy

(Mankiw, ۲۰۱۵, p.۴). همچنین تعابیر دیگری نیز در این باره ذکر شده است: از آن جمله است: مطالعه رفتار انسان‌ها به صورت رابطه‌ای میان خواسته‌ها و منابع کمیاب با کاربردهای مختلف؛ مطالعه اینکه جوامع چگونه تصمیم می‌گیرند که با استفاده از منابع محدود و کمیاب چه کالایی با چه روشی و برای چه کسانی تولید شود؛ مطالعه چگونگی تصمیم‌گیری جامعه درباره تخصیص منابع کمیاب برای تولید کالا و خدمات جهت اشباع خواسته‌های نامحدود؛ و در تعبیر دیگری علم اقتصاد، شناخت، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی برای تولید و توزیع کالا و خدمات از منابع محدود برای مصرف‌انگاشته شده است (Durlauf and Blume, ۲۰۰۸, p.۷۲۰-۷۲۲).

این نوشته در مقام نقد تفصیلی تعاریف ارائه شده در این باره نیست و صرفاً جهت ارائه تصویری از معنا و مفهوم رایج علم اقتصاد متناسب با مفهوم‌شناسی موضوع، به ذکر برخی از تعاریف بسنده می‌کند. تنها در حد اشاره باید یادآور شد که بستر معرفتی و فلسفی این‌گونه تعابیر، دستخوش نقصان اساسی است و به تبع آن نمی‌توان آن‌ها را تعابیری رسا و قابل پذیرش دانست. از باب نمونه در برخی از این تعاریف، بر کمیاب یا نایاب بودن برخی منابع تمرکز شده و برپایه آن، این علم تعریف شده است. درحالی‌که به استناد منابع دینی، خالق هستی همه زمینه‌ها و منابع لازم برای رشد و شکوفایی انسان‌ها را تأمین نموده است و در صورتی‌که فزون‌خواهی و منفعت‌طلبی انسان‌ها مهار شود، هیچ‌گونه کمبودی در این زمینه احساس نخواهد شد. حکمت الهی اقتضا می‌کند که نیازهای واقعی انسان‌ها و نظام مترتب و متفاضل آن به درستی شناخته، و برپایه عدالت تأمین گردد.

اندیشمند فقید، محمدتقی جعفری (ناظر به این مطلب) با استناد به برخی آیات قرآن می‌گوید: طبق کاوش‌ها و بررسی‌های علمی دوران جدید، معلوم شد که از اغلب مواد کره زمین، چه خشکی باشد و چه دریا، می‌توان برای تغذیه بشر با اشکال گوناگون استفاده کرد. فعالیت‌های شیمیایی در تغییر و تبدیل مواد بقدری دامنه‌دار و متنوع دیده می‌شود که انسان را به این جرأت وادار می‌کند که بگوید تغذیه انسان در این کره زمین محدودیتی ندارد. از طرف دیگر آیات قرآنی بنیاد اساسی مواد معیشت مردم را به زمین منحصر نکرده و آسمان‌ها را هم به‌عنوان منابع روزی (مواد معیشت) معرفی نموده است (جعفری، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۵-۲۴).

اینک پس از ایضاح معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی اقتصاد و علم اقتصاد، به معنای جزء اخیر ترکیب، یعنی وصف «مقاومتی» اشاره می‌کنیم. آن‌گونه که موارد استعمال واژه نشان می‌دهد،

«مقاومت» مرادف «ایستادگی» و «مقابله» است: «قاومَه فی المصارعة و غیرها و تقاوموا فی الحرب أی قام بعضهم لبعض» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۹۶). بر این اساس می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که روح مقاومت بر سراسر آن حاکم است، یک نظام اقتصادی پولادین و شکست‌ناپذیر. نکته قابل توجه دیگر اینکه مفهوم مقاومت متضمن عامل اراده است و این ایستادگی نتیجه معرفت، میل و اراده انسانی است؛ این ویژگی است که موجب پویایی نظام اقتصادی می‌شود. به بیان دیگر، اقتصاد مقاومتی طبیعت قسری ندارد که با تغییر شرایط و گذر زمان ناکارآمد شود؛ در جای خود متحول و دگرگون و در برابر واقعیت‌ها منعطف است. هویت ساختار اقتصاد مقاومتی به گونه‌ای است که انعطاف‌پذیری آن نیز شاخص مقاومت آن است؛ به این صورت که با انعطاف واقع‌گرایانه گامی به پیش برمی‌دارد و مقاوم‌تر می‌گردد؛ در واقع هر انعطاف، مقدمه‌ای برای مقاومت بیشتر و فزونی تحمل در برابر موانع است.

مفهوم مقاومت معمولاً با توجه به عامل یا عوامل مخل و مخالف مطرح می‌شود؛ اگر شیئی تنها باشد و هیچ شیء مخالفی که نوعی مغایرت یا تضاد با آن داشته باشد، در میان نباشد، اتصاف آن شیء به مقاومت، وجه و معنا ندارد. بر این اساس باید روشن شود که وصف مقاومت در ترکیب یاد شده، در برابر کدام عامل یا عوامل منظور شده است. عوامل متضاد و مانع یک نظام اقتصادی در مرحله نخست به عوامل طبیعی و غیرطبیعی تقسیم می‌گردد. عوامل طبیعی مانند حوادث و سوانح خشک‌سالی و آفات دامی و گیاهی است که مترتب بر اهداف و اغراض خاصی نیستند. اما عوامل دسته دوم ناشی از قصد و اراده انسانی است که خود به دو قسم داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. گاهی عوامل انسانی خارجی با رفتار جهت‌یافته خود موجب اخلاف و آسیب در یک نظام اقتصادی می‌شوند مثل تحمیل جنگ یا قراردادهای نابرابر و گاهی عوامل فرصت‌طلب و فزون‌خواه داخلی از طریقی مانند رانت‌خواری، فرار از قانون، زد و بندها و سوء مدیریت‌ها به نظام اقتصادی آسیب می‌رسانند و آن را ناکارآمد و ضعیف می‌سازند. منظور از اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که در برابر انواع مختلف عوامل متضاد، مقاوم است و ایستادگی می‌کند. بدیهی است که این ایستادگی مطلق نیست؛ منظور سطح معقول و منطقی از ایستادگی با توجه به واقعیت‌ها می‌باشد. مقام معظم رهبری در تعبیری مهم‌تر عامل متضاد با اقتصاد مقاومتی و غایت آن را این‌گونه بیان می‌کنند:

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. این یک فکر است. ... همین ایده اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد (خطاب به دانشجویان در ۱۶/۵/۱۳۹۱).

ایشان در تعبیر دیگری می‌فرمایند: «در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ تا بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند» (حرم مطهر رضوی در ۱۱/۱/۱۳۹۲). همچنین در تعبیر دیگری از معظله آمده است: «اقتصاد مقاوم - باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه دنیا، آن گوشه دنیا متلاطم نشود» (خطاب به کارگران و فعالان بخش تولید کشور در ۲۷/۲/۱۳۹۲).

مقام معظم رهبری اقتصاد موردنظر خود را «درون‌زا و برون‌گرا» دانسته و می‌فرماید: اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زا است، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین درون‌زا است، اما درون‌گرا نیست ... اقتصاد مقاومتی درون‌زا است. یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان (حرم مطهر رضوی در ۱۱/۱/۱۳۹۳).

بر این اساس، اقتصاد مقاومتی نظامی مستقل، پویا، نیرومند، فراگیر، پایدار، خلل‌ناپذیر و یک‌پارچه اقتصادی است که شاخصه‌های مقاومت در تمام سطوح و لایه‌های آن محقق است. از این رو، گرچه اقدامات خصمانه دشمن زمینه‌ساز توجه به این موضوع شده است، نمی‌توان و نباید توجه و اهتمام به اقتصاد مقاومتی را صرفاً نوعی انفعال در برابر شرایط و اوضاع تحمیلی خاصی تلقی کرد و موقت انگاشت. چنین تصویری از آموزه‌های دینی اسلام بسیار دور و مغایر با آن است. با صراحت تمام می‌توان گفت همان‌گونه که آمادگی دفاعی از دستورات ضروری اسلام است و به هیچ عذر و بهانه‌ای نمی‌توان اهمیت حیاتی آن را دست‌کم گرفت، اقتصاد مقاومتی نیز افزون بر اینکه مقتضای طبیعی آموزه‌های الهی در اسلام است، بخش مهمی از آمادگی دفاعی را تشکیل می‌دهد.

ماهیت دفاعی اقتصاد

اقتصاد مؤلفه مهم قدرت است و در سنجش قدرت و داوری درباره آن نخست به اقتصاد نظر می‌شود. افزون بر آنچه امروزه آشکارا دیده می‌شود و استکبار با تکیه بر اقتصاد ظالمانه خود قدرت‌نمایی می‌کند، در طول تاریخ نیز این اصل جریان داشته است. البته امروزه با توجه به وسعت و ژرفای روابط بین دولت‌ها و وابستگی فزون از حد دول ضعیف به دول صاحب قدرت، نقش اقتصاد در قدرت به مراتب بیش از روزگاران گذشته است؛ این مؤلفه قدرت امروزه می‌تواند با به‌کارگیری اهرم‌های خاص و حتی نهادهای بین‌المللی موجودیت کشورهای ضعیف را ساقط کند. ترفند وضع تحریم‌های ظالمانه به بهانه‌های دروغ و عاری از حقیقت بر ضد ایران اسلامی به جرم ماهیت استقلال‌طلبانه نظام جمهوری اسلامی نمونه‌ای از کارکردهای دفاعی و نظامی اقتصاد است. با تکیه بر اقتصادی عادلانه و مقتدر می‌توان صنعت و فناوری دفاعی را توسعه داد و به تربیت نیروهای نظامی توانمند و متخصص همت گماشت. بر این اساس، رهبر حکیم انقلاب امام خامنه‌ای (دامت برکاته) مسئله مهم اقتصاد مقاومتی را مطرح فرمودند تا از این طریق بر هویت دفاعی و امنیتی اقتصاد تأکید نمایند و اقتصاد را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت و مقاومت معرفی کنند. معظم‌له در تعبیری می‌فرمایند:

از نظر نظام سلطه، گناه بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده. می‌خواهند مجازات کنند به‌خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، این ملتا آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً محاسباتشان اشتباه است؛ نمی‌فهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند می‌کنند. خوب، اما فشار می‌آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریم‌ها. ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم (خطاب به جمعی از کار آفرینان سراسر کشور در ۱۳۸۹/۰۶/۱۶).

رهبر فرزانه بر همین اساس بر لزوم تحقیقات بنیادی در این باره تأکید نموده و می‌فرمایند: یکی از دوستان اطلاع دادند که یک ستاد دانشجویی برای تحقیق در اقتصاد مقاومتی تشکیل شده. کار بسیار جالبی است. این جور کارهای عمیق، همان چیزی است که کشور به آن احتیاج دارد. شما باید فکر کنید، مطالعه کنید، تحقیق کنید. این تحقیق‌ها اگر به درد آن دستگاه مسئول هم نخورد یا به کار او نیاید یا نپسندند، قطعاً به کار شما می‌آید و به درد شما می‌خورد. این، کار بسیار جالبی است (خطاب به جمعی از دانشجویان در ۱۳۹۰/۵/۱۹).

امروزه برخی فارغ از دقت درباره آثار و برکات تحقیقات عمیق و بنیادی، از تعبیر «کاربردی» و «مفید برای سازمان» نادرست استفاده کرده و تحقیقات عمیق و بنیادی را بی‌ثمر می‌انگارند و اگر نگاشته‌ای تحقیقی و عمیق بود آن را به حاشیه می‌رانند. در سخن گهربار رهبری دوبر تعبیر «بسیار جالب» و یک‌بار تعبیر «این‌جور کارهای عمیق همان چیزی است که کشور به آن نیاز دارد» استعمال شده که متضمن تأکید فراوان بر این‌گونه پژوهش‌های عمیق است. در ادامه فرموده‌اند: «اگر این‌گونه تحقیقات به درد آن دستگاه مسئول هم نخورد یا به کار او نیاید یا نپسندد، قطعاً به کار شما می‌آید و به درد شما می‌خورد». این هم تأکید دیگری است بر لزوم تحقیقات عمیق و بنیادی. در توضیح این بخش فرمایش رهبر عزیز می‌توان گفت که خمیرمایه و بن‌مایه پیشرفت‌های علمی تحقیقات بنیادی است؛ زیرا تحقیقات کاربردی در واقع بر بستر معرفتی خاصی شکل می‌گیرد که حاصل مطالعات بنیادی است. اصولاً پیشرفت و تحول در جایی رخ می‌دهد که روح و جان و اندیشه مردم دگرگون گردد نه لایه‌های سطحی رفتار و دانش، این حوزه تحول برپایه تحقیقات بنیادی و یافته‌های اساسی پیش می‌رود. لذا سخن معظم‌له ناظر به این نکته بسیار مهم است.

همچنین رهبر معظم در تعبیر دیگری ناظر به ماهیت دفاعی اقتصاد می‌فرمایند:

مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیردولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی‌سبیل‌الله را دارد (خطاب به کارگزاران نظام در ۱۳۹۱/۵/۳).

در این سخن از معظم‌له نیز مطالب دقیقی نهفته است؛ اعتدال و عدالت از اسباب مهم دیرپایی و دوام است، همان‌گونه که ظلم سبب زوال و نابودی است. اقتصاد مربوط به دو حوزه تولید و مصرف است. از این دو حوزه، حوزه مصرف از جهتی بسیار مهم‌تر از حوزه تولید است. زیرا اگر مصرف بر پایه نیازهای واقعی و غیرتجملی و غیراشرافی اعمال گردد، حوزه تولید نیز متناظر و متناسب با آن سامان می‌یابد و پیش می‌رود و در نتیجه، زمینه‌های اسراف و ریخت‌وپاش از بین می‌رود. بنابراین در تحقق اقتصاد مقاومتی، نخست باید حوزه مصرف، مدیریت و تعدیل شود تا بتوان بر آن اساس چرخه تولید را سامان بخشید و بر اساس اولویت‌ها پیش رفت. هیچ

تردید نیست که چنین رویکردی کشور را در برابر ترفندها و توطئه‌های دشمنان مقاوم و نفوذناپذیر می‌سازد و نمی‌گذارد دشمن به اهداف خود برسد.

عوامل مقاومسازی اقتصاد

چگونه اقتصاد مقاوم می‌گردد؟ اقتصاد فی‌نفسه متصف به قوت و ضعف نمی‌گردد و به نسبتی که با انسان و جامعه انسانی پیدا می‌کند، می‌تواند اقتصادی قوی، متوسط یا ضعیف باشد. پس با این بیان، انسان‌ها هستند که موجب قوت و ضعف در اقتصاد می‌شوند. بر این اساس، اگر کشوری به لحاظ درآمد و در قیاس با کشورهای دیگر چندان قابل توجه نباشد ولی بتواند با تدبیر، همین درآمد معمول خود را به‌گونه‌ای منطقی مدیریت کند که خرسندی و رضایت نسبی اکثر شهروندان را تأمین کند، از این جهت اقتصادی مقاوم خواهد داشت و در جهت مقابل اگر کشوری به لحاظ درآمد و دارایی، کشوری فوق‌العاده باشد اما نتواند با مدیریت عادلانه رضایت نسبی اکثر شهروندان را تأمین کند، به این لحاظ از پشتیبانی مردمی برخوردار نیست و ضعیف است. در چنین حالتی است که اختلاف طبقاتی غیر معقول به دست بازیگران معدود حوزه اقتصاد رخ می‌دهد و به دنبال آن نیز حاکمیت، تابع ثروت می‌شود و عملاً آنچه بر کشور و جامعه حکومت خواهد کرد، همان صاحبان ثروت خواهند بود.

در تعیین عوامل مقاومسازی اقتصاد در یک کلام می‌توان بازگشت واقعی به ارزش‌ها و آموزه‌های راستین قرآن و سنت را یگانه عامل مقاومسازی اقتصاد انگاشت. تبیین این مطلب فرصت دیگری طلب می‌کند اما اینک برخی از سخنان رهبر بزرگوار در این‌باره ذکر می‌گردد. معظم‌له در تعابیری می‌فرماید:

مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است... مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر ... کاهش وابستگی به نفت از الزامات اقتصاد مقاومتی است ... استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات. از زمان باید حداکثر استفاده بشود ... اینها می‌تواند هم رونق ایجاد کند - در تولید، در اشتغال - و هم موجب رفاه شود؛ اینها مایه رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند. این کار بایستی به انجام برسد (خطاب به کارگزاران نظام در ۱۳۹۱/۵/۳).

سابقه درخشان هشت سال دفاع مقدس سرمشق‌های ارزشمندی را به ملت بزرگ ایران آموخت؛ اگر بنا بود که مقابله با دشمن متجاوز در جنگ تحمیلی تنها بر عهده نیروی مسلح و قوای نظامی دولتی نهاده شود، هرگز نتیجه حاصل نمی‌شد و نظام مقدس جمهوری اسلامی از همان آغاز با تهدید جدی مواجه می‌شد و گرفتار سرنوشت شوم وابستگی به دیگران می‌گردید یا خطر سقوط را تجربه می‌کرد. اما با تشخیص صائب حضرت امام(ره) دفاع از انقلاب و نظام بر عهده مردم گذاشته شد و این تجربه پرباری شد که در همه زمینه‌ها و زمان‌ها می‌توان از آن بهره جست. اینک خلف صالح و جانشین شایسته آن پیشوای الهی نیز در حوزه اقتصاد بر مردمی کردن آن تأکید می‌ورزد و آن را از الزامات اقتصاد مقاومتی برمی‌شمارد. بدون تردید عملی شدن این رویکرد موجب آثار و برکات فراوانی در این عرصه خواهد گشت و طرح‌های دشمن را پیش دستانه عقیم خواهد ساخت.

درواقع نسخه درمان اقتصاد بیمار با شناخت نقاط و مواضع آسیب‌پذیر در ذیل عنوان اقتصاد مقاومتی بیان شده است؛ مصرف افسارگسیخته و رها که تابع امواج خروشان تولیدکنندگان خارجی و داخلی است و برپایه آن موارد و اولویت‌های مصرف، تعیین و تعریف می‌شود، مرضی است که تا درمان نگردد دیگر اصول اقتصاد مقاومتی نیز پاسخ نخواهد داد. لذا رهبر معظم از آن تعبیر به «رکن» کرده‌اند. تولید و مصرف هردو باید تابع نیازها و اولویت‌های راستین زندگی انسان باشد نه تابع سوددهی و فارغ از عدالت. جهت اصلاح الگوهای مصرف نیز نیاز به فرهنگ‌سازی و نقش‌آفرینی رسانه‌ها و به خصوص رسانه ملی است. همچنین در چنین فضایی لازم است با تقویت بنیاد اندیشه فکر متناسب با دوره‌های سنی افراد در دوره‌های تحصیلی و تربیتی خصلت بیمارگونه تقلید در پوشش از دیگران را درمان نمود و زمینه‌های اعتمادبه‌نفس و خودباوری را در آحاد جامعه تقویت کرد. از این منظر تولید و مصرف هردو باید از طریق فرهنگ و رسانه و نظام‌های آموزشی و پرورشی مطابق آموزه‌های اسلامی دگرگون شود. در اشاره به این مطلب امام خامنه‌ای (دامت برکاته) می‌فرماید:

این قضیه اسراف و زیاده‌روی، قضیه مهمی در کشور است. خوب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمان

علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، این قدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگی‌مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود (خطاب به رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت در ۱۳۹۱/۶/۲).

یکی دیگر از آسیب‌های اقتصاد کنونی کشور وابستگی آن به نفت است؛ این وابستگی از دو جهت زیان‌بار است؛ یکی اینکه دشمن می‌تواند با نفوذی که در نهادهای بین‌المللی و کشورهای تولیدکننده نفت دارد، با بالا بردن تولید و کاستن قیمت جهانی نفت اقتصاد کشور را دچار مشکل کند و از این طریق به حاکمیت و کشور آسیب برساند. جهت دیگر اینکه نفت ماده ارزشمندی است که با فناوری‌های پیشرفته می‌توان محصولات و فرآورده‌های ارزشمندتری تولید و روانه بازارهای داخلی و خارجی کرد و از این طریق، به درآمد چند برابر دست یافت. وابستگی اقتصاد به نفت چنین خسارت سنگینی را نیز بر ملت وارد می‌کند. از این رو، باید با گسترش و تنوع چرخه‌های تولید، اقتصاد را از این بیماری نیز نجات داد. از جمله مواردی که ظرفیت جایگزینی دارد، یکی فرش و هنرهای دست‌باف ایرانی است که متأسفانه با تبلیغ و ترویج فرش ماشینی به کلی نابود شده است. مدیریت و سرمایه‌گذاری در صنعت فرش دست‌باف و هنرها و صنایع مشابه، فرصت مناسبی را در اختیار مدیران و متصدیان قرار می‌دهد. مورد دیگر، کشاورزی و دامداری است؛ ورود افسارگسیخته صنعت و ماشین در جامعه، به کشاورزی و دامداری آسیب رسانده است؛ جاذبه‌های خاص صنعت و درآمد روزآمد آن موجب سرخوردگی در این دو حوزه گردید، درحالی‌که اگر این سرخوردگی نبود، ورود صنعت می‌توانست این دو حوزه را بیش‌ازپیش بارورتر سازد. در این زمینه‌ها نیز باید فرهنگ‌سازی و سرمایه‌گذاری شود تا از آسیب ناشی از اقتصاد تک محصولی کاسته شود.

یکی دیگر از موارد جایگزین می‌تواند طب سنتی باشد؛ اگر جامعه اسلامی مجذوب طب نوین نشده بود و در عین بهره‌برداری از طب جدید، طب سنتی را نیز پیش برده بود، امروزه برای بسیاری از بیماری‌ها به تجویزهای دارویی سنتی فراوان و متنوعی نایل شده بودیم. از دیگر مواردی که در این زمینه می‌توان برشمرد ظرفیت کشور بزرگ ایران برای گردشگری است؛ ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی، تنوع آب‌وهوایی، قدمت تاریخی و ابنیه باستانی ظرفیت کم‌نظیری در جذب گردشگر دارد. به‌خصوص توسعه و تقویت دو حوزه دامداری و

کشاورزی نیز می‌تواند مکمل این زمینه باشند؛ می‌توان با سرمایه‌گذاری در این بخش و ایجاد زمینه‌های اجتماعی لازم از این ظرفیت بهره جست.

بخش دیگر فرمایش رهبر عزیز ناظر به مدیریت زمان است؛ دخالت دادن سلیقه‌های شخصی و ترویج روحیه تخصص‌گرایی و عدم نظارت مؤثر در برنامه‌ها و پروژه‌ها موجب رکود شده و کارها را گاهی دو سه برابر زمان تعیین شده، به تأخیر می‌اندازد. این نیز از ضایعات رایج است که باید با آن مقابله شود. امام خامنه‌ای جهت مقابله با این خصلت بیمارگونه این چنین ارائه طریق می‌فرمایند:

حرکت براساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند. این را هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاست‌های اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود (همان).

نپختگی، بی‌تدبیری و بی‌برنامگی در همه امور و از جمله در امور اقتصادی زیان‌بار است؛ ثبات و امنیت از ارکان لازم در تصمیمات اقتصادی است و هرگونه بی‌ثباتی و تغییر نابهنگام و نسنجیده فرآیند امور را متزلزل می‌گرداند. در چنین فضایی امکان آینده‌نگری و تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذار، متصدیان امر، تولیدکننده و مصرف‌کننده وجود ندارد؛ از چنین وضعیتی به ناامنی اقتصادی تعبیر می‌شود و این برای اقتصاد کشور بسیار ویرانگر و مضر است. در تأکید بیشتر بر مطلب، رهبر بزرگوار انقلاب در ارائه تصویری از دقت لازم در حوزه اقتصاد می‌فرماید:

ما باید مسائل کشور را با این دید نگاه کنیم؛ آرمان‌ها جلوی چشم ما باشد؛ واقعیت‌های تشویق‌کننده جلوی چشم ما باشد. در مورد واقعیت‌های منفی - که در واقع در بعضی موارد واقعیت‌سازی است، واقعیت‌نمایی است - دچار اشتباه نشویم. البته توان دشمن را دست‌کم نگیریم، سهل‌انگاری و ساده‌انگاری نکنیم. مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است. شما مثل یک ریاضی‌دانی که می‌خواهد یک مسئله مهم ریاضی را حل کند، بر سر این مسئله تلاشتان را به کار ببرید و مسئله را حل کنید. شما ریاضی‌دان با استعدادی هستید؛ این هم یک مسئله ریاضی است. این‌جوری باید با مسائل گوناگون برخورد کنید (همان).

هرگونه گسست از واقعیت‌ها و آرمان‌ها در امور اقتصادی مشکل‌آفرین و خسارت‌بار خواهد بود. نکته دقیق درباره واقعیت‌ها این است که اولاً باید بین واقعیت و واقعیت‌نما تمایز قائل شد؛ باید توجه داشت که بسیاری از آنچه به‌عنوان واقعیت منفی به روان انسان القا می‌شود، از قبیل

الفائت بی‌اساس است و ریشه در واقعیت ندارد. ثانیاً باید به این مطلب نیز توجه شود که بسیاری از واقعیت‌های منفی را می‌توان در پرتو واقعیت‌های مثبت و تعدیل آرمان‌ها با اراده قوی به فرصت تبدیل کرد. به همین مناسبت برآورد دقیق از توان دشمن ضرورت پیدا می‌کند؛ نمی‌توان صرفاً موقعیت خود را در میدان معیار عمل قرار داد؛ توان دشمن نیروی مخالف و تأثیرگذاری است که غفلت از آن می‌تواند شکست‌هایی را در پی داشته باشد. آنگاه رهبر فرزانه بر لزوم دقت و جامعیت رفتار در میدان تصریح نموده و مثال حل کردن مسئله ریاضی را پیش می‌کشند. حل مسائل ریاضی دقت فراوان می‌طلبد و مسئله باید از کوتاه‌ترین و روشن‌ترین راه ممکن حل شود. به تعبیری اگر حل مسئله ریاضی این دو ویژگی را نداشته باشد، درواقع آن مسئله هنوز به درستی حل نشده است. مفاد سخن معظم‌له اینکه اقتصاد مقاومتی دقت و ظرافت می‌طلبد و نباید گرفتار چرخه‌های باطل و دستخوش روزمرگی گردد. باید در گشودن معضل اقتصاد کوتاه‌ترین راه برگزیده شود.

نتیجه

اقتصاد مقاومتی نظامی مستقل، تأثیرگذار و در عین حال دارای ظرفیت فعال در تعامل با نظام‌های اقتصادی جهان است؛ این نوع اقتصاد ماهیت دفاعی دارد و برآمده از آموزه‌های اسلامی است. چنین به نظر می‌رسد که متن آموزه‌های قرآن و سنت و تاریخ صدر اسلام دستمایه گران‌سنگی است که می‌توان طی مطالعات هدفمند و عالمانه آن به نظام اقتصاد مقاومتی متناسب با زمان سامان بخشید. آنچه بیش از هر چیز دیگر در تحقق چنین نظامی کارساز و مفید واقع می‌گردد تغییر و تحول در نگاه انسان به خویشتن است. اگر آدمی به راستی بر حق حیات عزتمندانه خود و لزوم آمادگی دفاعی از آن در برابر هرگونه تجاوز و تعرض و نیز بر حلاوت و ارجمندی ذاتی حق و لزوم دفاع از آن در مورد خود و دیگران آگاه گردد، نیز به غایت خلقت خود که استکمال معنوی و وصول به مقام قرب و خلافت الهی است پی ببرد، ضرورت سعی و کوشش برای تأمین نیازها و حفظ و تقویت سلامت روح و بدن را دریابد و به آفات و زیان‌های ناشی از ضعف و ذلت از یک سو و به شهد شیرین و ارستگی و آزادمنشی از دیگر سو توجه پیدا کند، بن‌مایه لازم برای تحقق نظام اقتصادی مقاوم تأمین می‌گردد. بر این اساس، این مقال قبل از

هرچیز به نظام تعلیم و تربیت و نهادهای فرهنگی و تبلیغی نظر دارد و انجام مطالعات در چگونگی کارکرد این نظام و نهادها را ضروری و دارای اولویت قلمداد می‌کند. از این منظر، تعلیم و تربیت و تبلیغ رفتار محور دینی موجب شکل‌گیری روح مقاوم در افراد می‌گردد و این مقاومت در عرصه‌های مختلف جلوه می‌کند و اعمال و افعال فردی و گروهی نیز در فرآیندی هم‌سنخ با روحیه‌های نفوذناپذیر و مقاوم، مستحکم و استوار می‌گردد. به تعبیری دیگر، خودشناسی و پرداختن به فرد و به دنبال آن، لحاظ جامعه اسلامی به‌عنوان ظرف رشد و کمال افراد، به فرد و جامعه او هویت و اصالت می‌بخشد و این امر موجب تمرکز و اتحاد ظرفیت‌ها و قوای فردی و جمعی در جهت شکوفایی فرد و جمع می‌گردد.

فهرست منابع

- قرآن.
- نهج البلاغه.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق/مصحح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
- الجوهری، ابونصر محمد بن حماد، الصحاح، المحقق محمد محمد تامر، القاهرة: دارالحدیث، ۱۴۳۰ق.
- الحسینی الزبیدی، السید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق عبدالستار احمد فراج، ج ۹، الكويت: مطبعة حكومة الكويت، ۱۳۸۵.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ترتیب و تحقیق الدكتور عبدالحمید هنداو، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
- الفيروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، المحقق أنس محمد الشامی و زکریا جابر أحمد، القاهرة: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- Donnegan, James, *A New Greek and English Lexicon*, Boston: Hilliard, Gray & Co, ۱۸۴۰.
- Doniach, N. S, *English-Arabic Dictionary of Current Usage*, Oxford: Clarendon Press, ۱۹۸۱.

- Durlauf and Blume, Steven N. and Lawrence E, **The New Palgrave Dictionary of Economics**, Second Edition, Macmillan Publishers` Ltd., ۲۰۰۸.
- Gregory Mankiw, **Principles of Economics**, Seventh Edition, Cengage Learning, ۲۰۱۵.
- Mrshall, Alfred, **Principles of Economics**, Vol. I, London Macmillan and Co. ۱۸۹۰.
- Heyne, Paul, **Are Economists Basically Immoral, And Other Essays On Economics, Ethics, And Religion**, Liberty Fund Inc, ۲۰۰۸
- Hornby, **Advanced Learners` English Oxford Dictionary**, Oxford University Press, ۱۹۸۴.
- Liddle, Henry George and Scott, Robert, **A New Greek and English Lexicon**, Oxford University Press, ۱۹۹۶
- Soukhanov, Anne H, **American Heritage Dictionary of the English Language**, Third Edition.

انلیشنال
مجله ولایت